

داده‌ها

شیوه جنایت‌های قاتل
عنکبوتی این‌طور بود
که زنان را پس از خفه
کردن درون يك چادر
سیاه می‌پیچید و در
حاشیه شهرها می‌کرد.
هرچند فرضیه تجاوز
نیز مطرح بود، اما او این
اتهام را رد کرد و گفت
از نظر او تجاوز بسیار
زشت و مذموم است

زندگی

پرسه خفاش شب در خیابان‌های تهران



یکی از معروف‌ترین قاتلان سریالی، غلامرضا خوشرو معروف به خفاش شب بود که با تارک شدن هوا، سراغ شکارهای خود می‌رفت. خفاش شب، لقبی بود که رسانه‌ها به او داده بودند. آلت قتاله او، يك پیکان زهوار در رفته سفیدرنگ بود که قاتل، قفل در را از داخل ماشین از کار انداخته بود تا قربانیانش پس از فهمیدن نیت او، موفق به فرار نشوند. خوشرو، اهل یکی از روستاهای خراسان بود. به سن نوجوانی که رسید، سرقت‌هایش را شروع کرد. هربار که دستگیر می‌شد، با تجربه‌های بیشتری از زندان آزاد و دوباره مرتکب جرم می‌شد. ماجرای قتل‌های سریالی زنان از محله‌های تازه‌ساز شهرک المپیک آغاز شد و به خیابان‌های اطراف ورزشگاه آزادی و زمین‌های خالی حوالی اتوبان‌های غربی تهران رسید. اولین شکار خفاش شب، ۱۳ فروردین ۷۶ اطراف پارک چیتگر پیدا شد. زن ۵۴ ساله‌ای که قرار بود به بهشت زهرا برود، اما پلیس جسدش را در حالی که دست و گردنش بریده و جسدش سوخته بود، پیدا کرد. جسد بعدی را پلیس در باغی در کرج در شرایطی که گردن و سینه‌اش با چاقو دریده شده و سوزانده شده بود، پیدا کرد.

الهه، شکار بعدی خفاش شب بود. خوشرو او را وقتی که

قاتل طناب سفید با ۴۹ فقره قتل



کشف جسد زنی ۶۴ ساله در حوالی کرج، پیدا شدن جسد دختری حدوداً ۱۸ ساله در اطراف اردبیل، کشف جسد يك مادر و کودک دو ساله‌اش، پیدا شدن جسد یخ‌زده زنی به نام خدیجه در حوالی میانه توسط ماموران ژاندارمری بستان آباد که همگی با طناب سفید رنگی خفه شده بود، آغاز ماجرای بود که خواب را به چشم خیلی‌ها حرام کرده بود. تا زمان دستگیری قاتل در ۲۴ بهمن ۶۴، اجساد زیاد دیگری در حوالی شهرهای تهران، تاکستان و قزوین پیدا شد. داستان دستگیری قاتل از آن‌جایی کلید خورد که خواهر یکی از قربانیان شهادت داد آخرین بار او را با يك شورولت رویال سبزرنگ با پلاک ارومیه دیده بود. با کمک راهنمایی و رانندگی آمار تمام شورولت‌های رویال پلاک ارومیه استخراج شد و در نهایت ماموران به مجید سالک محمودی رسیدند و او را در میدان بهارستان تهران دستگیر کردند. پس از دستگیری، مجید بدون هیچ مقاومتی خود را اهل ارومیه معرفی کرد و تمام قتل‌ها را به گردن گرفت. او همچنین در اعترافاتش گفت زمانی که در زندان بود، متوجه ارتباط همسرش با پسرخاله‌اش شد و بنابراین شروع به کشتن زن‌ها کرد. بخش‌هایی از گفته‌های مرحوم احمد محقق، اولین بازپرس ویژه قتل عمد را در مورد قاتل طناب سفید بخوانید: «ما بازپرس‌ها هنگام بازجویی يك متهم دوست داریم دائماً دروغ بگویند. دروغ‌هایی که پر از تناقض است و باعث دستگیری آنها می‌شود، اما این قصه درباره مجید جور

دیگری بود. او آن قدر خونسرد درباره بعضی مسائل دروغ می‌گفت که انگار راست می‌گوید. بابت همین گاهی اوقات می‌ترسیدم مبادا تخلفی از او از قلم افتاده و حق يك خانواده که چند ماه دنبال گمشده خود بوده‌اند، تضییع شود. با این حال در پایان بازپرسی و تکمیل پرونده مجید او را به انفرادی زندان قصر فرستادم تا محاکمه‌اش شروع شود. در نهایت هشتم خرداد ۱۳۶۵ با این که سپرده بودیم مواظب باشیم قاتل خودکشی نکند خبر رسید که او خودش را حلق‌آویز کرده است. ما برای جلوگیری از این ماجرا از همان روز اول سپرده بودیم که قاشق، چنگال و حتی ملحفه در اختیارش نگذارند که مبادا خود را دار بزند اما او با رشته کردن پتو، طنابی ساخته و خود را در سلول انفرادی حلق‌آویز کرده بود.»

باغبانی با ۱۶ فقره پرونده قتل

پلیس آگاهی آبادان مخابره شد. تحقیقات در زمینه یافتن قاتل آغاز شد و این بررسی‌ها تا سال ۸۶ همچنان ادامه داشت. شباهت نحوه قتل‌ها، پلیس را به این نتیجه رساند که پایک قاتل سریالی روبه‌رو هستند. از سال ۸۳ تا ۸۷ او در مجموع ۱۳ زن و دختر و یک پسر را در آبادان و نیز دوزن دیگر را در خرمشهر به قتل



بازخوانی چند پرونده

شکار چیا

هنوز هم خاطره تلخ قاتلان سریالی را که در آن، خونسردی عجیبی، زنان و دختران جوان را به قتل اضطراب، خواب و آرامش از چشمان بسیاری از مردم جدید یا خبر دستگیری و مجازات قاتلان بودند انگیزه‌های این جنایت‌ها پیرداخته‌ایم.

لیلا حسین زاده

تپش

قاتل

قاتل سریالی دیگری که نام او تا مدت‌ها بر سر زبان‌ها بود و سعید حنایی بود. او از سال ۷۹ قتل‌هایش را کلید زد و تا سال ۸۰ جنایت‌هایش را ادامه داد. آن‌طور که او پس از دستگیری اذکار کرده بود، هدفش از جنایت، پاکسازی چهره شهر از زنان و دخترانی بود که کارهای خلاف شرع و عرف انجام می‌دادند. پس از دستگیری، او در دادگاه با طرح این ادعا که يك فرد مذهبی است، گفت هدفش از قتل این زنان، انتقام از زنانه تاکسی بود که مزاحم همسرش شده بود. به گفته خودش، وقتی نتوانسته بود با مردان مقابله کند، تصمیم گرفت از زنان انتقام بگیرد.

شیوه جنایت‌های قاتل عنکبوتی این‌طور بود که زنان را پس از خفه کردن درون يك چادر سیاه می‌پیچید و در حاشیه شهرها می‌کرد. هرچند فرضیه تجاوز نیز مطرح بود، اما او این اتهام را رد کرد و گفت از نظر او تجاوز بسیار زشت و مذموم است.

او در تمام جلسات دادگاه، هرگز از جنایت‌های خود ابراز پشیمانی نکرد و گفت: «اگر دستگیر نمی‌شدم، همین‌طور به جنایت‌هایم ادامه می‌دادم تا تعداد مقتولان را به ۱۵۰ نفر برسانم.» قاتل در دادگاه مدعی

رساند. شیوه قتل‌های او نیز این‌طور بود که با دو چرخه‌اش گوشه‌ای کمین می‌کرد و پس از تمام شدن کارش که باغبانی بود، با دو چرخه‌اش اطراف شهر پرسی می‌زد و پس از مشاهده زن یا دختری تنها، او را به قتل می‌رساند و جسدش را در گوشه‌ای پنهان می‌کرد. سن و سال قربانیان برای بغلان مهم نبود و تنها جنسیت برای او اهمیت داشت.